

لطافت بهار و هنر

عجب لطافتی است این لحظه‌های شیدایی در کلاس درس هنر! اگر روح را همت بال پروازی باشد، این شیفتگی معنوی، معلم هنر را با شکفتن بچه‌ها به آن افق‌های بالا می‌برد. از شکفتن گلچهره بچه‌ها در کلاس تا شکفتن لاله‌های خون‌رنگ بهار تکرار بی‌ملال این یادآوری هنرمندانه است که:

ای ز تو نور دل و دیدار ما
گردش اندیشه بیدار ما
ای ز تو رویان زمستان و بهار
ای تو گرداننده لیل و نهار
ای ز تو تغییر حال و سال‌ها
حال ما را کن تو خوش‌تر حال‌ها^۱

آخر، این دیدگان از دیدن هنر آسوده‌خاطر می‌شوند. از لحظه‌های درس هنر جان می‌گیرند، زیرا زنگ هنر دمیدن جان به جسم‌ها و دادن طراوت به روح است. چنان‌که بهار شادی‌آفرین با طلایه‌داری رنگ‌های سبز و ارغوانی و شکوفه‌های معطر روشن و سفید به روح انسان‌ها، جان دوباره‌ای می‌بخشد.

همه جلوه‌های طبیعت زیباست، اما گویی در چهار فصل آن، بهار از همه عاشق‌تر است؛ لذا بیشترین هم‌خوانی را با بی‌قراری و بی‌تابی هنر داراست. اما برای ما بهار همیشگی، تلاش مداوم و شورآفرین و کاشتن نهال هنر در باغچه وجود فرزندان است که هر کدام گنجینه‌ای بی‌بدیل از زیبایی‌های هستی‌اند.

آفرین بر معلمان درس هنر! از ابتدایی تا راهنمایی تا هنرستان را می‌گوییم که با نو شدن سال، کمر همت تازه‌ای بسته‌اند. و با سرکشی مدام خود به کار هنری دانش‌آموزان و بچه‌های دوست‌داشتنی، کلاس را به شوق می‌آورند. به شوق آمدن کلاس نشان از سرزندگی معلمی است که به کار آموزش هنر عشق می‌ورزد.

زنده است آن که عشق می‌ورزد
دل و جانش به عشق می‌ارزد^۲

بهار اینک دست مهربانی و دهنش خود را کریمانه به سوی ما گشوده است. بهار اینک از اثر تماشایی کلک نقاش ازل با تمام زیبایی‌هایش پرده‌برداری می‌کند و این‌جاست که بیشتر از هر چیز هنر به چشم می‌آید، اما در دیدگان اهل هنر

و هنرمندان اهل دل. در این فصل تازه، ما نیز خود را به دامن سرشار از عشق طبیعت بسپاریم که گفته‌اند بزرگ‌ترین آموزگار طبیعت است و به همین سان برای بهره‌گیری از این دست‌مایه غنی برای این‌که کارهای بچه‌ها، طراحی‌ها، نقاشی‌ها، خوش‌نگاری‌ها، کارهای دستی و سفال‌های آن‌ها رنگ و بوی طبیعت، مردم و جامعه را بدهد، بکوشیم که سیمای زندگی ولو با آن طبع و برداشت نوجوان پسند در کار آن‌ها ظاهر شود.

به یاد داشته باشیم، در مبانی بینشی هنر نگاه اجتماعی بازتاب زیباترین لایه‌های هنری است که در زیر پوست جامعه نهفته است. پس، زمینه‌گردش‌های هنری و انجام دادن کار هنری در محیط اجتماعی را به عنوان یک اصل اساسی در فصل زیبای بهار برای آموزش هنر مهیا کنیم.

همین گردش‌های هنری، سرزدن به بازار و دیدن حرکات طبیعی، ولوله و جنبش مردم در مکان‌های مختلف از آن لحظه آفرینی‌های غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود که خاطراتی را در پس‌زمینه ذهنی بچه‌ها شکل می‌دهد و برای همیشه این خاطرات در ذهن آن‌ها ماندگار خواهد شد و به‌طور حتم در کارهای هنری بعدی آنان نمود می‌یابد. کلاس جای مقدس و ارزشمندی است، اما با تمام این احوال هنر در چارچوب نمی‌گنجد. پس، در آموزش هنر برای توانمندی بیشتر باید قالب‌ها را شکست و عرصه‌های تازه‌ای را برای شکوفایی خلاقیت بچه‌ها فراهم کرد. این مهم از دستان توانا و اراده‌های بلند همکاران و دبیران هنر برآمدنی است. زیرا هنرپذیری فرزندان این خاک صفت نهادینه شده‌ای است که به باغبان عاشق نیاز دارد و بهار و زیبایی‌های آن همه چیز را برای این شکوفایی آماده کرده است. فرا رسیدن بهار شادی‌آفرین و فرا رسیدن گل و نسرين بخیر و خوبی باد. و از پس این صحنه‌های زیبای شور و مستی طبیعت در گوش همکاران عزیز نجوا کنیم که:

این فکر هم بکارید در مغز خود که ایران

فرزند خواهد از ما، فرزانه و فداکار

و ز لوح دین و اخلاق این نقش هم بخوانید

انسان همیشه باید با نوع خویش غمخوار^۳

سر دبیر

پی‌نوشت

۱. شفيعی کدکنی

۲. ه. ا. سایه

۳. شهریار